

# در پاسخ به فتوای آقای جلال طالبانی علیه شوراها

## کارگری در کردستان عراق

منصور حکمت

قبل از اینکه خود متن اظهارات آقای طالبانی را ببینم دوردور شنیده بودم که ایشان در یک برنامه رادیویی با اسم به من حمله کرده است. اما وقتی متن را خواندم دیدم ایشان ناخواسته فی الواقع از من تمجید کرده است. آقای طالبانی در یک جمله دو رویداد مهم و باارزش در تاریخ معاصر کردستان را یکجا بیای من نوشته است. یکی عروج جنبش شورائی کارگران و زحمتکشان کردستان عراق در جریان بحران و جنگ خلیج و دیگری پیوستن کومه له زحمتکشان کردستان ایران" (کذا) به یک حرکت کمونیستی سراسری و دور شدن آن از "جویبارهای اصلی" ملی گرائی کرد - چیزی که ایشان آن را همانطور که انتظار می رود "خراب کردن کومه له زحمتکشان ..." اطلاق میکند.

هر دوی این تحولات فضای سیاسی کردستان را برای ملی گرائی سنتی کرد و رهبران و سیاستمداران این جریان تنگ کردند. هر دوی این تحولات زبان کارگر را بر سر بورژوازی و ملی گرائی کرد دراز کردند. طبیعی است که آقای طالبانی از چنین روندهائی ناخوشنود باشد و از آنهم طبیعی تر است که بخواهد سیر اجتناب ناپذیر به میدان آمدن مستقل کارگر در کردستان و انزوای ناسیونالیسم را تخطئه کند و به سیاق همیشگی سیاستمداران بورژوازی در ممالک عقب مانده و مذهب زده، آن را کار شیاطین و توطئه افراد مشکوک قلمداد کند. اما اگر "جویبار اصلی" ای در صحنه سیاسی کردستان امروز هست، اگر نیروئی ماندگار هست که قرار است کردستانی آزاد و مرفه بسازد، همان جنبش شورائی و سوسیالیستی کارگران است. این "بهار" ملی گرائی است که دیگر بسر رسیده است. آقای طالبانی می خواهد همین واقعیت را کتمان کرده باشد.

بهرحال بهر درجه سخنان آقای طالبانی در تداعی کردن من با شوراها و کمونیستی شدن کومه له صحت داشته باشد، بهمان درجه بعنوان یک کمونیست باید خود را مفتخرتر و سربلندتر احساس کنم. در پاسخ به القابی که به من داده اند هم فقط میگویم که چه من مشکوک باشم و چه نباشم، خود آقای طالبانی و رهبران ملی کرد ابا افراد مشکوکی نیستند. موقعیت و منافع سیاسی آنها، موتلفین و طرف های داد و ستد سیاسی شان، اهدافشان، برنامه شان، روش حکومت شان، برخوردشان به طبقه کارگر، جنگ و آشتی روز و شب شان، و نسخه غم انگیزی که برای جامعه فردای کردستان می پیچند، همه و همه معلوم و معرفه است و با عکس و تفصیلات در روزنامه ها و رسانه های معتبر جهان منتشر شده و کارگر کرد و هر انسان آزادیخواه که به رهائی مردم زحمتکش کردستان میاندیشد مجاز به داشتن کوچک ترین توهم و تردیدی در این مورد نیست.

اینها بهر حال نکاتی فرعی است. اصل موضوع در سخنان آقای طالبانی خط و نشان کشیدن و تهدید کارگران و جنبش شورائی است. همان زبانی که مدعی است از "طپانچه کشیدن" بروی شوراها خبر ندارد، با فصاحت تمام شوراها را مشکوک و آلت دست عراق میخواند و با این کار فتوای سرکوب خشن هر حرکت

جنبش شورائی در آینده را صادر میفرماید. این فرمول قدیمی و نخ‌نمای ناسیونالیسم علیه کارگران است. این جملات را فردا، اگر کارگران شکست بخورند و اینها به مشروطه شان برسند، در ادعانامه دادگاههای "انقلاب کردستان" علیه شریف ترین مبارزین سوسیالیست طبقه کارگر خواهند نوشت.

طبقه کارگر در کردستان باید این قبیل اظهارات را جدی بگیرد. این اظهارات خود تأکیدی بر ضرورت جدائی سیاسی قطعی و کامل طبقه کارگر در کردستان عراق از ناسیونالیسم و جماعت های ناسیونالیستی و پا به صحنه گذاشتن آن بعنوان یک نیروی مستقل و قدرتمند طبقاتی است. صحنه سیاسی عراق و بویژه کردستان متحول و ناپایدار است. اگر اوضاع به نفع دولت مرکزی عراق و یا جریان ملی در کردستان تعیین تکلیف شود، اولین قربانی کارگر و سوسیالیسم در کردستان خواهد بود. عدم تعادلی که امروز وجود دارد یک فرصت تاریخی برای کارگر و کمونیست است که خود را محکم کند، حزب بسازد و جنبش شورائی و توده‌ای خود را روی بنیادهائی ادامه کار استوار کند. آقای طالبانی دیگر باید به چه زبانی بگوید که در این کار باید تعجیل کرد.

و بالاخره گوشه ای از صحبت آقای طالبانی هم معطوف به کومه‌له امروز و رهبران فعلی آن است. عکس العمل این تشکیلات و این افراد در مقابل اینگونه حملات آقای طالبانی به شوراها، و به چرخش به چپ کومه‌له در گذشته (که در ظاهر ناسزاگوئی به من بیان میشود)، بهترین محک درجه آمادگی امروز آنها برای بازگشتن زیر سایه پرمحبت و پدران احزاب سنتی ملی کرد خواهد بود. آقای طالبانی دارد از قول کومه‌له امروز نسبت به تجربه ده سال گذشته این سازمان ابراز ندامت میکند. عکس العمل کومه‌له روشن خواهد کرد که در این عواطف شریک است یا خیر. کارگر و کمونست در کردستان بیشک دیر یا زود این سوال را جلوی کومه‌له و رهبران آن میگذارد که پاسخشان به اینگونه حملات و سمپاشی ها علیه شوراها و مدافعان و فعالین جنبش کارگری در عراق چیست.